

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار آموزان وکالت (۱۳)

مقدمه و مطلب سیزدهم : تاسیس دفتر وکالت در غیر از محل مجاز و
تمرکز در محل غیر مجاز

مقدمه:

خداوند را شاکرم که تاکنون توانسته ام گامی هر چند بسیار کوچک جهت ارتقاء
مراتب شغلی همکاران و دوستان عزیز خود بردارم ، و جمع کثیری از این عزیزان که
از این مقالات بهره مند می شوند در گوشه و کنار هر مجتمع بنده حقیر را مورد لطف
و عنایت خود قرار می دهند که حتما " مجموع این مقالات را بعنوان مرجعی در جهت
بهره برداری همزمان بصورت جزوه یا کتاب در اختیارشان قرار دهم که انشاءا...در
آینده این امر صورت خواهد گرفت امیدوارم مطلب آتی نیز مثمر ثمر همکاران
محترم باشد .

مطلب سیزدهم : تاسیس دفتر وکالت در غیر از محل مجاز و تمرکز در محل غیر

مجاز

مواد ارتباط با موضوع:

ماده ۶: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۶/۱۷

وکلا نمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند دفتر وکالت تاسیس نمایند و همچنین نمی توانند عملاً "فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه ان انجام شده است .

در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

تبصره ۱: ادامه وکالت در پرونده هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون وکلای متبوع وکالت از خویشاوندان تا درجه ۳ از شمول این ماده مستثنی است . در صورتی که حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است .

تبصره ۲: محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص خواهد شد.

تبصره ۳:

تبصره ۴: کسانی که دارای رتبه قضایی بوده اند به مدت ۳ سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهد داشت. متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازاتهای درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.

ماده ۷: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷

از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می گردد.

ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷: صاحبان رتبه های قضایی دادگستری که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می شوند، در آخرین حوزه ای که قبل از بازنشسته شدن یا انتظار خدمت انجام وظیفه می نموده اند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را نخواهند داشت.

ماده ۱ آئین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۹/۳: کسانی که در مدت بیش از ۶ ماه به شغل قضایی یا بازرسی در شهری اشتغال داشته اند نمی توانند در آن شهر از تاریخ انتهای ماموریت تا مدت ۵ سال مستقیماً" یا بوسیله وکیل دیگر وکالت نمایند.

ماده ۲۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ : وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین می نمایند متابعت نمایند .

مواد مطرح شده بخصوص در خصوص قضات بازنشسته دارای سوالات بسیاری بوده که در جلسات مختلف کمیسیون استفتائات کانون وکلاء و اداره حقوقی قوه قضائیه و اداره حقوقی وزارت دادگستری و کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلا به آنها پاسخ داده شده و بسیار کامل می باشد.

۱- نظریه شماره ۱۲۳۵۷ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ کمیسیون تخصصی امور حقوقی

عطف به نامه شماره ۱۶۴۸-۷۹-۵ مورخ ۱۳۷۹/۸/۹ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: وکلای پایه یک دادگستری که محل اشتغال آنان شهرستان تهران می باشد با توجه به حجم فعالیت در شهرستانی که فاقد وکیل دادگستری می باشد مجاز به تاسیس دفتر تحت عنوان شعبه دفتر تهران می باشند یا خیر؟

جواب: با توجه به صراحت ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری که تاسیس دفتر وکالت در غیر محلی که برای آنجا پروانه صادر شده منع نموده و آن را تخلف دانسته است و اینکه حکم این ماده دائر بر منع و تخلف به شعبه دفتر نیز شمول دارد ، علیهذا تاسیس شعبه دفتر در غیر محلی که برای آنجا پروانه صادر شده مجوز قانونی ندارد .

۲- نظریه شماره ۲۴۱۶۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱ کمیسیون امور حقوقی کانون وکلاء

سوال: چنانچه دو تن از همکاران وکلاء محل اشتغال به وکالت آنان احدی در شهرستان و دیگری در مرکز استان جملگی در مجموعه یک کانون هستند و بخواهند موافقت همدیگر را برای جابه جایی محل اشتغال جلب و مشترکاً طی تقاضایی از کانون مربوطه درخواست جابه جایی محل اشتغال را با یکدیگر بنمایند، چنین تقاضایی دارای وجاهت قابل پذیرش است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ مقید به چه شرایطی است؟

جواب: تراضی وکلاء جهت جابه جایی موکول به موافقت کانون های وکلاء مربوطه و با رعایت مصوبات خواهد بود.

۳- نظریه شماره ۱۸۴۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۰ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون

وکلاء

عطف به نامه وارده تحت شماره ۶۸۹۲ مورخ ۸۰/۴/۲۰ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: اینجانب چون اصلتاً از اهالی و هستم و پیش از کسوت وکالت در امور سیاسی منطقه مداخلات و مراجعاتی داشته ام ، غالباً " اهالی آنجا از نزدیک با بنده آشنایی دارند و مکرر جهت بهره گیری از خدمات مشاوره ای حقوقی مراجعه و خواستار مساعدت می باشند و من نیز سعی کرده ام در حد امکان و بدون

دریافت وجهی به ایشان مساعدت نمایم . نظر به اینکه مراجعه مشارالیهم به تهران با استفاده از مشاوره تلفنی برای ایشان زحمت و هزینه سنگین دارد، آیا اینجانب مجاز می باشم به هزینه خود به صورت رایگان مرکز یا مراکز ((دارالمشاوره مجانی)) در یک یا چند نقطه از شهرستانهای مذکور را بنمایم و هر ماه چند روز را به این خدمت انسانی و اخلاق اختصاص دهم ، بدون اینکه وجهی از این بابت از کسی مطالبه کنم . این بیشتر از آن جهت است که اهلی شهرستانهای مذکور غالباً فقر و نیازمند همه گونه کمک و مساعدت می باشند . مسئولین محلی از این طرح استقبال و پشتیبانی دارند.

جواب: با توجه به ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۷۶/۱/۱۷ دائر نمودن دفتر وکالت یا مشاوره و یا متمرکز نمودن امور وکالتی در غیر محلی که پروانه برای آنجا صادر شده ممنوع است .

۴- نظریه شماره ۷/۱۸۸۹ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه

ریاست محترم شعبه دوم دادگاه عمومی کرج

عطف به استعلام که در باب حوزه فعالیت وکلای دادگستری به عمل آورده

اید ، با بررسی مورد سوال، نظر مشورتی اداره حقوقی را ذیلا اعلام می دارد:

ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت حاوی دو شرط است.

۱- دایر نمودن دفتر وکالت در غیر محلی که برای آنجا پروانه وکالت گرفته اند.

۲- عملاً "فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری غیر از محل موضوع موضوع بند یک متمرکز ننماید. با توجه به مقررات فوق ملاحظه می گردد قانونگذار محدودیت هایی در جهت قبول وکالت از طرف وکیل به صورت متمرکز در غیر از محل موضوع بند یک برقرار نموده است. بنابراین وکلای دادگستری می توانند غیر از محل پروانه وکالت، در تمامی کشور به صورت پراکنده و نه متمرکز قبول وکالت نمایند. در هر حال مقررات این ماده ارتباطی به رسیدگی به اعتبار پروانه ندارد.

۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۴۳۱ مورخ ۱۳۶۱/۹/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه

سوال: آیا ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانون

تشکیلات دادگستری شامل هر قاضی بازنشسته هر چند که بازنشستگی او به

تقاضای خودش نباشد

می شود یا نه؟

نظر مشورتی اداره حقوقی :

با توجه به ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانون تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۵ صاحبان رتبه قضایی فقط در صورتی که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت شوند نمی توانند در آخرین حوزه ای که انجام وظیفه می نمودند تا سه سال به وکالت دادگستری اشتغال ورزند و

این محدودیت شامل مواردی که دارنده رتبه قضایی طبق تصمیم دادگستری بازنشسته یا بازخرید می گردد نخواهد بود زیرا با نص صریح قانون مغایرت دارد .

۶- نظریه ۱۳۵۴ اداره حقوقی وزارت دادگستری

سوال: با توجه به ماده ۶ قانون اصلاح سازمان قضایی مصوب سال ۱۳۳۵ که می گوید صاحبان رتبه های قضایی دادگستری که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می شوند، در آخرین حوزه ای که قبل از بازنشسته شدن یا انتظار خدمت انجام وظیفه می نموده اند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را نخواهند داشت . آیا مثلاً " دادگاه جنایی استان گیلان می تواند وکالت شخصی را که دادیار استان گیلان بوده و به تقاضای خودش با همان سمت بازنشسته شده و پروانه وکالت گرفته است ، قبل از انقضاء سه سال مذکور بپذیرد یا نه؟

اداره حقوقی وزارت دادگستری با طرح قضیه در کمیسیون مشورتی ائین دادرسی مدنی متشکله در تاریخ ۱۳۵۴/۱/۲۴ و کمیسیون مشورتی حقوق مدنی متشکله در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۲۱ نظر مشورتی خود را به شرح زیر اتخاذ و اعلام نموده است :

اشتغال به وکالت دادگستری مذکور در ماده ششم قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ مفید معنی استمرار است و دلالت بر آن دارد که پروانه وکالت برای آن حوزه صادر شده باشد ولی اگر صاحب رتبه قضایی که پروانه وکالت او برای محلی سوای آخرین محل خدمت صادر شده وکالت مربوط به پرونده ای را در محل

مذکور پذیرد ، با توجه به اینکه حوزه وکالت وکیل درجه اول تمام ایران است ، این امر منافاتی با ماده مستند بها ندارد.

۷- نظریه کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون پیرو نامه شماره ۵۵۱۶ مورخ

۸۱/۴/۳

عطف به نامه وارده تحت شماره ۵۵۱۶ مورخ ۱۳۸۱/۴/۳ موضوع در کمیسیون

تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: براساس ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ صاحبان رتبه های قضایی که بازنشسته می شوند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را در آخرین حوزه نخواهند داشت . آیا قضات دادگاههای تجدیدنظر که حوزه کار آنان تمام شهرهای استان می باشد، می توانند در شهرهای تابعه استان (که مسلماً جزء حوزه اشتغال قضایی آنان بوده است) وکالت نمایند یا اینکه فقط در مرکز استان که محل کار آنان بوده است از این کار محروم خواهند بود؟

جواب: با عنایت به تبصره ۴ ماده ۶ و ماده ۷ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب

سال ۱۳۷۶ که موخر بر ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب مورخ

۱۳۳۵/۶/۱۷ است ، در حال حاضر آخرین محل خدمت ، مناط اعتبار است نه حوزه

اشتغال .

۸- نظریه کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری

کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری در مورد تقاضای آقای ((الف)) پس از بررسی به اتفاق آراء اظهار نظر می کند:

با ملاحظه مقررات ماده ۱ آئین نامه وکالت مصوب ۳ آذرماه ۱۳۱۶ که بر اساس اختیار حاصل از ماده ۲۵ قانون وکالت به تصویب رسیده و ماده ششم قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۳۵، به نظر می رسد که ماده ۶ قانون اصول تشکیلات دادگستری که منحصرًا "مربوط به بازنشسته یا منتظر خدمت شدن صاحبان رتبه قضایی به تقاضای خود می باشد، ماده ۱ آئین نامه وکالت را که از جمله شامل وضعیت شاغلین قضایی که از شغل قضایی استعفاء می دهند با لحاظ جدایی موضوع دو ماده نسخ نکرده است.

۹- نظریه مورخ ۱۳۶۹/۳/۱۹ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری

به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۹ کمیسیون استفتائات با حضور امضاکنندگان درمحل کانون تشکیل است. درباره این پرسش که تاریخ شروع ممنوعیت سه ساله اشتغال به وکالت در دادگستری در آخرین حوزه محل ماموریت مندرج در ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری تاریخ قطع رابطه استخدامی با دادگستری یا تاریخ صدور پروانه وکالت دادگستری می باشد، پس از تبادل نظر به شرح زیر اظهار نظر می شود:

نظریه: با در نظر گرفتن اینکه منشاء ممنوعیت سه ساله پیش بینی شده در ماده ۶ مذکور، اشتغال به خدمت در دادگستری بوده و اینکه اگر به تاریخ شروع این ممنوعیت تصریح نگردیده آن را می توان با توجه به عبارت آن ماده استنباط کرد، بنابراین بر حسب ظاهر این تاریخ همان تاریخ بازنشسته شدن یا انتظار خدمت یعنی دو موضوع تصریح شده در آن ماده می باشد نه تاریخ صدور پروانه وکالت دادگستری .

۱۰- نظریه مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۱ کمیسیون استفتائات قانون وکلای دادگستری

با آنکه در تبصره اول ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در تعریف حوزه قضایی نامی از حوزه قضایی دادگاههای تجدیدنظر برده نشده ولی با توجه به مندرجات ماده ۲۰ آن قانون که در آن برای هر مرکز استان چنین دادگاهی پیش بینی و در ماده ۲۱ آن قانون ((مرجع تجدیدنظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان)) در نظر گرفته شده و به این ترتیب حوزه قضایی هر دادگاه تجدیدنظر از سوی قانونگذار معین گردیده است . بنابراین باید گفت آخرین حوزه قضایی قضات این گونه دادگاهها حوزه قضایی استان در نظر گرفته شده و متقاضی در دادگاه تجدیدنظر آن استان به کار اشتغال داشته است .

۱۱- نظریه مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۶ کمیسیون استفتائات قانون وکلای دادگستری

جلسه کمیسیون استفتائات کانون وکلاء د ر تاریخ ۱۳۷۰/۲/۲۶ تشکیل است . در مورد سوال مربوط به تغییرات مقررات ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ و ماده ۱ آئین نامه وکالت ۱۳۱۶/۹/۳ ، پس از بررسی به شرح زیر اظهار نظر می نماید :

هر چند ممکن است بدوا" به نظر برسد که چون ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ مدت ممنوعیت اشتغال به وکالت دادگستری را در مورد صاحبان رتبه های قضایی که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می شوند (که ظاهرا" از مصادیق بارز اشخاصی هستند که فلسفه ممنوعیت اشتغال د رمورد ایشان محقق است) در آخرین حوزه که پیش از بازنشسته یا منتظر خدمت شدن انجام وظیفه می کرده ، از ۵ سال مذکور در ماده ۱ آئین نامه وکالت مصوب ۱۳۱۶/۹/۳ به سه سال تنزل داده و نسبت به سایر اشخاص به صورتهای دیگر از کار قضایی خارج می شوند ساکت است ، لذا ماده ۶ قانون ۱۳۳۵/۶/۱۷ ناسخ کلی ماده ۱ آئین نامه وکالت ۱۳۱۶/۹/۳ می باشد که د ر نتیجه اشخاص ممنوع از اشتغال به وکالت د ر حوزه مذکور منحصر به بازنشستگان و اشخاص منتظر خدمت به تقاضای خود خواهد داشت ، ولی به لحاظ اینکه د ربین صور مختلف خارج شدن از کار قضایی فقط بازنشستگی و انتظار خدمت به تقاضای شخص ، موضع حکم خاص ماده ۶ مذکور قرار گرفته است ، به نظر می رسد که این ماده فقط ناسخ جزئی قانون مورخ ۱۳ اذر ماه ۱۳۱۶ و فقط نسبت به همین اشخاص می باشد . بنابراین د رمورد غیر اشخاصی که

به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می شوند مقررات لایحه قانونی مورخ ۱۳۳۵/۶/۱۷ حاکم است .

در مورد مفهوم اشتغال به نظر می رسد که این عنوان ظهور در معنی انتخاب شغل و استمرار دارد و به انجام اتفاق وکالت صادق نمی باشد. مضافاً بر اینکه اگر در مورد مفهوم مزبور به منظور تعیین موارد ممنوعیت تردید شود، اصل جواز و اباحه نسبت به انجام وکالت غیر مستمر حاکم خواهد بود.

۱۲- نظریه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۶ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری

با توجه به تبصره ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ که دارندگان رتبه قضایی را به مدت سه سال از وکالت د آخرین محل خدمت خود ممنوع کرده است ، بنابراین وکیلی که آخرین محل خدمت وی مرکز استان بوده از تعقیب دعوی تجدیدنظر در آن استان تا سه سال ممنوع است .

۱۳- نظریه شماره ۷/۲۳۵۹ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه

ریاست محترم شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان فارس

عطف به استعلام شماره ۴۹۰-۱۳۷۶/۱۲/۶ نظریه کمیسیون آئین دادرسی مدنی اداره

حقوقی به شرح زیر اعلام می شود:

۱- منظور از محل خدمت مذکور در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶، حوزه قضایی است و مقصود مقنن آن است که چون قاضی در حوزه قضایی خود شناخته شده و با سایر قضات آن حوزه در ارتباط نزدیک است، بلافاصله پس از بازنشسته شدن در آن حوزه وکالت نکند تا شائبه اعمال نفوذ و استفاده از موقعیت شغلی قبلی او بوجود نیاید و چون معمولاً پس از ۳ سال غالب قضات تغییر شغل و محل خدمت می دهند، پس از گذشت این مدت وکالت قاضی بازنشسته ای که قبلاً در آن حوزه شاغل بوده است محظوری نخواهد داشت.

بنابراین قضات دادگاههای عمومی و انقلاب و دادگاه تجدیدنظر استان، پس از بازنشستگی حق وکالت در حوزه قضایی قبلی (حسب مورد شهرستان یا استان) خود را ندارند. اگرچه ظاهر عبارت تبصره ۴ ماده ۶ قانون سابق الذکر این است که قاضی بازنشسته فقط در آن شهری که قبل از بازنشستگی خدمت می کرده است حق وکالت ندارد ولی در خارج از آن شهر و اینکه داخل در حوزه خدمتی او باشد حق وکالت دارد، اما این با منظور مقنن که از بین بردن شائبه اعمال نفوذ و استفاده از موقعیت شغلی قبلی است منافات دارد و صحیح نیست که بگوئیم مثلاً "قاضی تجدیدنظر استان تهران فقط در شهر تهران تا ۳ سال پس از بازنشستگی حق وکالت ندارد اما در کرج و سایر شهرهای استان حق وکالت دارد زیرا این نقض غرض قانونگذار است. و اما در مورد قضاتی که حوزه قضایی آنان قبل از بازنشستگی تمام

ایران بوده است مانند قضاات دیوان عالی کشور ، چون شائبه اعمال نفوذ در تمام ایران منتفی است این منع شامل آنان نمی شود.

با این ترتیب قاضی بازنشسته ایکه پروانه وکالت گرفته است به مدت ۳ سال درهیچیک از شهرهای حوزه قضایی او قبل از بازنشستگی نمی تواند قبول وکالت نماید و این منع شامل تمام دادگاهها و مراجع قضایی است .

۲-.....

۳-.....

۱۴-نظریه مورخ ۱۳۷۴/۷/۶ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری

با توجه به اینکه خاتمه خدمت متقاضی از طریق بازنشستگی یا انتظار خدمت محقق نشده و خدمت ایشان از طریق باز خریدی که عنوان مستقل جداگانه ای است خاتمه یافته است . لذا وضع ایشان مشمول ماده ۶ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ نبوده و از این حیث ممنوعیتی برای اشتغال ایشان برای وکالت در تهران وجود ندارد. اما با توجه به ماده ۱ آئین نامه وکالت مصوب ۳ آذرماه سال ۱۳۱۶ که مطابق نظریه مورخ ۷۰/۲/۲۶ این کمیسیون ، بوسیله آئین نامه ۱۳۳۵ مذکور کاملاً" نسخ نشده است و در این ماده شاغلین بیش از ۶ ماه به شغل قضایی یا باز پرسی در شهری تا ۵ سال از تاریخ انتهای ماموریت شان از اشتغال به وکالت ممنوع شده اند، به نظر می رسد که وضع این متقاضی مشمول این ماده بوده و ایشان تا پنج سال از

تاریخ پایان خدمت قضایی نمی توانند اشتغال به وکالت در محل خدمت قضایی خود داشته باشند .

۱۵- نظریه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۶ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری

با توجه به تبصره ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ که دارندگان رتبه قضایی را به مدت سه سال از وکالت در آخرین محل خدمت خود ممنوع کرده است ، بنابراین وکیلی که آخرین محل خدمت وی مرکز استان بوده از تعقیب دعوی تجدیدنظر در آن استان تا سه سال ممنوع است .

۱۶- نظریه کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری مرکز

در خصوص قلمرو محدودیت وکالت قضات در آخرین محل خدمت خود، نظر به اینکه این ممنوعیت محدودیتی برای آزادی شغل تامین شده در قانون اساسی محسوب می شود و باید در ردیف استفتائات از آن تفسیر مضیق شود، و نظر به اینکه متبادر از محل خدمت شهری است که قاضی در آن اشتغال داشته است باید به این قدر متیقن اکتفا کرد و وکالت او را در سایر شهرهای تابعه استان مجاز شمرد ، بویژه که تغییر اصطلاح ((حوزه قضایی)) مندرج در ماده ۶ قانون متمم دادگستری مصوب ۱۳۵۶ به ((محل خدمت)) نشان می دهد که مقصود قانونگذار نیز به این اباحه بوده است .

۱۷- نظریه کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلای دادگستری

وکلاي محترم شهرستان خرم آباد لرستان

با سلام ، عطف به نامه وارده شماره ۷۹۸۰ مورخ ۸۱/۵/۱۲ بدینوسیله به اطلاع می
رساند: موضوع د ر کمیسیون تخصصی امور حقوقی این کانون مطرح و به شرح اتی
اظهار نظر گردید:

سوال: در صورت اعطای وکالت تسخیری در مناطق خارج از محل اقامت وکلاء و عدم
تهیه وسیله نقلیه و بیتوته توسط دادگستری وکلاء چه تکلیفی دارند؟

جواب: درمورد وکالتهای تسخیری، معافیت موکل از پرداخت حق الوکاله ملازمه با
معافیت وی از پرداخت هزینه سفر و اقامت ندارد ، بنابراین پرداخت هزینه سفر و
اقامت در مورد بحث به عهده موکل خواهد بود و در صورت تعذر موکل از پرداخت
هزینه های مذکور، تادیه آن از محل اعتبار موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق
تعاون ، به عمل خواهد آمد.

سوال: د رمورد اعطای وکالت تسخیری از طرف محاکم استانهای همجوار غیر نزدیک
، وظیفه وکلاء چیست؟

جواب : با توجه به ماده ۱۸۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور
کیفری که به موجب آن ، دادگاهها وکیل تسخیری را از بین وکلای حوزه قضایی و
در صورت عدم امکان از نزدیک ترین حوزه مجاور تعیین خواهند نمود، چنانچه
انتخاب وکیل تسخیری از نزدیک ترین حوزه ممکن نباشد، مراتب به دادگاه اعلام
شود تا در خصوص مورد تصمیم قانونی اتخاذ نماید .

دلیل انعکاس این نظریه کمیسیون ((تجویز وکالت تسخیری در غیر از محل اقامت وکیل دادگستری است)

نظریات اعلامی از کتاب مجموعه کامل مقررات وکالت به نگارش دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله اقتباس شده و همیشه بعنوان منبع اصلی این سلسله مطالب محسوب می شده است. در پایان از حمایت همیشگی عزیزان و همکاران خود کمال تقدیر و تشکر را دارم.

منابع:

مجموعه قوانین حقوقی

۲-مجموعه کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی - ابراهیم یوسفی محله

عبدالله سمایی

وکیل پایه یک دادگستری

دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز